

عدم موفقیت ها در افغانستان و راه های حل ممکن

بخش دوم

مبصرین به این باورند که تأکید برین امر که پنتاگون و غرب در افغانستان هیچگاه جنگ را نخواهد برد تأکید و سخن غیر دقیق است. مردم افغانستان عقیده دارند تا در افغانستان به صلح نایل آیند و صلح باید در برابر جنگ پیروز شود. اگر جهان برای خدمت به امر صلح و ایجاد سیستم حاکمیت مردم و مبارزه با افراتیت آمده و درین راستا خواهان کمک و مساعدت با ما و خویش است و قصد تصرف این کشور را ندارد و تحت نام مبارزه به اکثر میز و مبارزه بر ضد اسلام منظور نیست - پیروزی ممکن است، ولی اگر قضیه طور دیگر باشد با صراحت گفته میتوانیم که تاریخ ثابت ساخته و زمان ثابت خواهد ساخت که هیچ ابرقدرت خارجی در طول تاریخ بر کشور و بر ملت ما به پیروزی نه رسیده و در جنگ بر علیه دومین دین دنیا پیروز نخواهد شد. لذا آنهائیکه از پیروزی و عدم پیروزی در افغانستان صحبت میدارند باید مشخص سازند که منظور شان از کدام پیروزی است؟

نقش مجاری دیپلوماتیک و وسایل اطلاعات جمعی درین زمینه نیز جایگاه خاص خویش را خواهد داشت. موفقیت درین عرصه با کادرهای ضعیف و ناپاک که صرف بر اساس روابط فامیلی، استخباراتی و جیبی پیشکش میشوند - ممکن نیست. ما مطمئن ایم برنامه های خیر و خدمت ب مردم تنها به اراده نیک که برای آغاز کار ضرورت است عملی شده نمی تواند.

ما به این باوریم که برای تحقق برنامه خیر به داشتن اتوریته سیاسی و دانش مسلکی و برخورد افغانستان بامسائل با استفاده از دست آورد های جوامع دیگر بشری که مراحل انکشاف مشابه را سپری کرده اند - میباشد.

ما در دهه اخیر دیدیم که دولت و حکومت افغانی از هیچ یک از مشخصات فوق برخوردار نبوده و چنانچه گفته آمدیم فرصت های خوب زمانی و بین المللی به هدر دادند.

با درک بی کفایتی مسئولین امور در افغانستان، جامعه جهانی و به صورت مشخص ناتو میخواهد یک همتا یا همکار ملکی را برای جنرال مک کرستال قوماندان نیروهای ناتو در افغانستان تعیین کند. این مطلب را آدمیرال جیمز ستاف ریدس، قوماندان نظامی ناتو گفته است: «من از پیشنهاد تعیین یک همکار بلند پایه ملکی به منظور هماهنگ کردن امور دیپلوماسی، انکشاف و سایر امور ملکی با جنرال مک کرستال قوماندان نیروهای ناتو در افغانستان صد در صد حمایت دارم. جنرال ستاف ریدس گفته: «ما امنیت را صرف از طریق میل تفنگ تأمین کرده نمی توانیم. بناً جنرال مک کرستال به یک همکار قدرتمند ملکی ضرورت دارد.» نامبرده افزود: «بحث در باره تعیین این همکار ملکی خاتمه یافته و نام این شخص در اواخر ماه جنوری در کنفرانس بین المللی لندن اعلان می شود.»

مسأله عمده و اساسی دیگر این است که دولت حاکم افغانستان باید کار خویش را به کشورهای کمک کننده به قسم تنظیم میکرد و یا کند که با وجود صلاحیت های معین مالک پول و سرمایه دولت افغانی از حیف و میل پول عنوان شده به معنای کمک به افغانستان - جلوگیری میشود. چنانچه قبلاً هم گفته به طور مثال تأکید میداریم که بصورت مشخص و عمده معمولاً قراردادها بصورت غیر داوطلبی و غیر قانونی و غیر نورمال از جانب کسی به اساس روابط فامیلی، مافیایی و رشوه گرفته شده و به کمپنی های دوم و سوم با اخذ حصه و بخش از سرمایه تحویل داده شده. (تفصیل میخواهد). لذا به هیچ صورت دولت به شمول مراجع قانونگذاری کشور نمیتوانند درین بخش خود را برائت دهند که گویا ما از همان بخش از کمک های جهانی پاسخگو هستیم که به ماداده شده است.

به فهم ما زمان ثابت خواهد ساخت که اگر در زمینه دقت لازم صورت نگیرد حدود و صلاحیت ها بصورت واضح و تعریف شده روشن نشود - در موارد زیاد سبب اصطکاک بین حاکمیت ح. کرزی و این اداره باصطلاح ملکی خواهد شد.

سوال مطرح میگردد که ضرورت به این اداره درین مرحله از کجا آغاز شد؟

به فهم ما زمانیکه پارلمان فعلی افغانستان با ترکیب، شکل و محتوی آن جوابگو مطالبات عصر نبوده، تا حال نتوانسته کماحقه کار کند، تصویب یکسره رد تمام وزیران که تابعیت خارجی دارند، عدم حضور عده ای زیادی از وکلا در حین ارایه برنامه های کاری وزرا، تأثیر غیر متوازن یک سازمان و گروه معین (جمعیت اسلامی) بر پارلمان امروزی افغانستان، و متفاوت بودن معیار ها، شناخت ها و علاقمندی جامعه جهانی با معیار های پارلمان امروزی افغانستان مطالب و عوامل است که منجر به ضرورت وجود آوردن به اصطلاح اداره متوازی به حکومت فعلی آقای حامد کرزی صورت گرفت.

مسأله حداقل ساختن تلفات ملکی در عملیات نظامی خارجیان در افغانستان، موجودیت زندان های سیاسی خارجی ها، روابط غیر سنتزدر مراجع خارجی به ادارات محلی افغانی مسایل است که در شرایط فعلی جدا قابل کنترل نبوده و راه طولانی با پیچ خم خاص بخود را خواهد داشت. اما کار را باید از یک جای آغاز کرد.

دقیقا مسلم این است که دموکراسی امروزی تا حال میکانیزم را ندارد که از تطبیق اصول و ضوابط عام قبول شده جهانی کنترل به عمل آورده و متخلفین را به صورت پیگیر مورد باز پرس مؤثر قرار دهد. حقوق اساسی بشر حتی از جانب کسانی مراعات نمی گردد که سنگ حمایت از حقوق بشر به سینه میزدند و میزنند و مرجع مؤثر و عملی نیست که از آنها باز پرس نماید.

به همین علت هم قابل تعجب نیست که عده دموکراسی غیر تعریف شده قرن ما را رد میکنند. باید گفت و قبول کرد که انستیتوت های معین دموکراسی (مانند انتخابات، حاکمیت قانون، ارزشها حقوق اساسی بشرو...) که قابل رد نیستند. بخش از روش های خوب بشری به نحوی در کشور و جامعه در سطح معین از انکشاف خویش مؤثر و مفید است و بخشی به طروق و راه های دیگر باید در عمل تطبیق گردد. تأکید چندی قبل وزیر خارجه جمهوری فدرالی آلمان که تطبیق دیموکراسی غربی در افغانستان قابل قبول نیست. تأیید این مدعا ما نیز هست. (تفصیل در مورد - دیموکراسی غربی - مراجعه کنید به نوشته محترم امین الدین سعیدی منتشر وب سایت های افغان و وب سایت جام غور).

از جانب دیگر در بخش از کشورهای جهان ادارات استخباراتی در موارد معین با پیگیری استراتژی های کشور ممد و همکار خوب برای حکومت اند و در واقعیت دولت و حکومت در حکومت پنداشته میشوند. این نوع حکومت در بین حکومت با بکار گیری روشهای مدرن اداره و مراعات پیگیر قوانین و قواعد کشور و با در نظر داشت نتایج انتخابات آزاد و در چوکات مشخص و معین قانون مثبت بوده و سبب استقرار وضع شده میتواند. منظور ما ادارات امنیتی و استخباراتی کشور که در آن افراد مسلکی، فنی، غیر سیاسی که مصالح و منافع علیای کشور و استراتژی های فیصله شده رهبری سیاسی کشور را ملاک کار خویش قرار دهند.

ما به این باوریم که اهداف خیر وطن دوستان و تأمین صلح در کشور ما توسط یک حاکمیت وحدت ملی ممکن است. برای تأمین وحدت ملی و تعیین رهبر و زعیم راه ها و قواعد وجود دارد و مامیتوایم با بکارگیری حاکمیت قانون نهادینه کردن انستیتوت های دموکراتیک در کشور و روشها و اصول انسانی و اسلامی بر مشکلات بشمول تأمین عملی وحدت ملی کشور خویش نایل آمده و رهبری وطن خویش و کشور خویش را مشترکا در دست خویش داشته باشیم.

درین راستا به یقین گفته میتوانیم چنانچه در بالا نیز بموارد مشخص تذکرات داشتیم تأکید داریم که بدون اصلاح قانون اساسی موجود کشور از طریق قانون و بوجو آوردن و ایجاد توازن در قوای سه گانه دولت، ارزان ساختن دولنداری و نزدیک ساختن آن به ملت و دیگر تصحیحات در سیستم سیاسی و نظام حاکم کشور ما افغانستان مشکل افغانستان حل نخواهد شد. ضرورت جدی است تا تعاریف معین و مشخص از دولت، ادارات دولتی و ادارات امنیتی کشور داده شود. ارگانهای استخباراتی بیشتر منحنیثت مونیتور و تصویر از وضع حاکم را بصورت متواتر و پیگیر بدست آورده و اجرائیه و مراجع پولیس و ادارت یونیفورمی مرجع اجرای معلومات و نتیجه گیری های استخباراتی شده و کار دست بدست و هماهنگ صورت میگیرد.

مسلم اینست که مسایل کشور را نمیتوان در صفحات تلویزیون حل کرده!! در جهان مسایل در رهبری سیاسی کشور حل و بشکل فورمال روی صحنه تلویزیون کشیده میشود. اما در افغانستان تفاهم بین پارلمان و رهبران سیاسی وجود ندارد، بصورت خاص رد و عدم رای اعتماد اعضای شورای ملی به ۱۷ تن وزیران پیشنهادی کابینه جناب حامد کرزی گواه براین واقعیت است، در حالیکه در جهان نورمال این مسایل قبلاً در کلوب های مربوط پارلمانی توافق شده و جهت نهایی سازی به پارلمان روی پرده آورده میشوند. این حالت بر علاوه دیگر نشان دهنده عدم پختگی سیاسی و عدم فهم مسلکی حاکمین افغانی را نشان میدهد.

میگویند چیزیکه در دیگ است همان در کاسه هم است!! این خود سوال است که این پارلمان نماینده واقعی مردم است و یا خیر؟ و یا این مشخصه پارلمان بعد از جنگ است؟

مسأله احزاب سیاسی در قانون بصورت بهتر تنظیم نشده. در پارلمان پارتتر و کلوب متعهد، معین و مشخص سیاسی برای توافق در مسایل مطرحه وجود ندارد. این حالت سبب عدم استقرار سیاسی گردیده و مسایل عوض توافق و تفاهم قبلی و کلی روی پرده تلویزیون و وسایل اطلاعات جمعی حل و فصل میگردد.

این بخش مانند بخشهای دیگر در جامعه ضرورت به سمت دهی دارد. کار ایجاد، تشویق و تقویه سیستم احزاب سیاسی در افغانستان بطرف وحدت و کار مشترک برای اهداف مشترک ضرورت دارد. کار درین راستا خام و برای سمت دهی سالم در چوکات قانون ضرورت دارد.

ارابه پلانه‌های کاری آینده‌ی وزرای پیشنهادی کابینه جدید افغانستان به پارلمان کشور یک دست آورد مهم دموکراسی نوپا در افغانستان است. اما عدم حضور اکثریت اعضای پارلمان حین ارايه پلانه‌های کاری وزرای پیشنهادی نشانه اینست که تصمیم‌گیری وکلای در مورد رای و عدم رای اعتماد به اصول و قواعد دیگر و در اشارات و عوامل دیگر نهفته است تا در برنامه‌های کاری وزرا و شایستگی آنها.

چنانچه در بالا گفته آمدیم بفهم ما تشکیل حزب و سازمان به معنای پیشکش کردن نسخه‌های معین برای معضله‌های معین است و نه مسابقه برای گرفتن قدرت سیاسی بخاطر پرکردن جیب خود و دزدیدن مال ملت؟ اگر چنین است که منظور و هدف از تأسیس حزب و سازمان سیاسی متحد شدن همفکران بخاطر خدمت به هدف سیاسی معین و توافق بر سر راه‌های حل و نسخه‌های معین مسایل مطروح افغانستان باشد. پس باید اعتراف کرد که راه‌های حل و نسخه‌ها نه صد و نه هم بیشتر از آن. پس چرا در افغانستان بیشتر از صد حزب سیاسی ثبت و فعالیت مینمایند؟ دقیق این است که جامعه ما در مرحله معینی از رشد خویش قرار دارد که باید بطرف نورمال شدن به حرکت بیافتد. از جانب دیگر هر اقدام غیر طبیعی مانند لغو این احزاب و یا فسخ شان از بالا مشکل را حل نمیکند بلکه این پروسه باید از پائین و بصورت طبیعی آغاز و پیموده شود. این احزاب و رهبران شان این واقعیت را باید درک نموده و قطره‌ها باهم یک جا شده به جوی چه‌ها و دریا‌ها ریخته و به یک نیروی واقعی تبدیل گردند.

ملت و رهبری کشور هر دو از وضع شاکلی اند. ملت بجای اینکه مسؤولین امور را از وضع مسؤول بدانند برعکس مسؤولین امور از وضع خود شاکلی اند. این بدان معناست که یا حاکمیت بی کفایت است و یا هم زمام امور را بدست ندارد. ضرورت جدی روشن ساختن قواعد کاری در بین رهبری کشور است. ضرورت است تا کادرهای مسلکی و مراجع اکادمیک کشور در پهلوی ارگانهای دولتی و شخصیت‌های سیاسی کشور تنگاتنگ امور کشور را تنظیم بدارند. کار درین راستا جداً ضعیف و غیر سازنده پیش می‌رود.

کار وسیع برای مشروعیت نظام و حاکمیت، کار مشترک برای اهداف مشترک و اولویت‌های همه ما افغانها، دعوت و اهتمام از شخصیت‌ها و نیروهای مطرح کشور، همکاری به همسایگان و کار عملی برای انکشاف در تمام ساحات زندگی مردم افغانستان تا این کشور به گذرگاه انرژی و کالاهای جهان در منطقه مبدل گردد - مطالب و مسایل است که مردم ما خواهان آن اند.

ما عملاً دیدیم که در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در افغانستان در سالیکه گذشت چه واقع شد. انتخابات ریاست جمهوری کشور در دور اول تقلب و دور دوم وجود نداشت! اما رئیس جمهور باسناد ماده‌ایکه از تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات سخن می‌زند برنده انتخابات (دور اول و یا دور دوم؟) اعلان شد و همه با کف زدن بدون تثبیت تقلب و یا عدم تقلب در انتخابات، منتظر رویدادهای بعدی شدند و بس!! در حالیکه مردم ما و جهان میدانند که طرز العمل‌های اخیر کشور ما به واژه‌های سیاسی انتخاب و انتصاب، تفسیر و تأویل قانون و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات در جهان معانی و مفاهیم اصطلاحی جدید داد. از جانب دیگر جهان بصورت مشخص سازمان ملل متحد چند ماه قبل به اتفاق آراء (۱۹۲ رای) از پروسه انتخابات ریاست جمهوری افغانستان حمایت کرد. ما میدانیم که در جامعه افغانی نقش بزرگان قوم و ریش سفیدان جای خویش را دارد. ما میدانیم که بخش عمده‌ای از افراد عادی کشور آنقدر به برنامه و کارکرد کاندید توجه نمیدارند و شناخت هم در زمینه برای انتخاب باسناد شایستگی سیاسی و مسلکی وسیع نیست.

ما میدانیم که موضع‌گیری‌های افراد عادی را عوامل زیاد غیر طبیعی آسیب پذیر نموده می‌تواند. ما میدانیم که مصارف زیاد که در انتخابات ریاست جمهوری صورت می‌گیرد باید از مرجع معین بدست آمده و یا هم برای بدست آوردن واپس آن طرق و راه‌های جستجو گردد.

این راه‌ها در موارد زیاد طبیعی و قانونی بوده نمیتواند این و دهها دلایل دیگر است که ما باین معتقد ساخته تا پیشنهاد نمائیم که: ضرورت جدی است در سیستم انتخاباتی کشور تغییرات رونما گردد. انتخاب عمده و اساسی و مستقیم باید انتخابات پارلمانی گردد. در انتخابات پارلمانی باید توجه جدی صورت گرفته و از میکانیزم‌های تجربه شده دیگر جوامع بشری کار گرفته شده تا شفاف، و کاملاً دیموکراتیک و مردمی باشد.

درین راستا کار استراتژیکی جانشین ساختن آرای عامه و انتخابات سرتاسری به عوض مفاهیم و بکارگیری‌های لویه جرگه افغانستان نیز در مراحل بعدی یک عمل مردمی و دیموکراتیک تر میدانیم.

با در نظر داشت تجارب تلخ گذشته، جلوگیری از مصارف و بخاطر وجود آوردن استقرار نسبی و بخش عوامل دیگر ما پیشنهاد میداریم که انتخاب رئیس جمهور در افغانستان توسط پارلمان کشور به سیستم که مثلاً طریق انتخاب آن به دو تلت آرای تمام اعضای پارلمان و سبکدوشی آن به سه ربع تمام آرای پارلمان صورت گیرد. تا از یک طرف دیموکراسی تأمین، رهبری سیاسی اتورپته سیاسی داشته باشد و از جانب دیگر استقرار کادری، قوت و اجراءات رئیس جمهور محفوظ باشد.

به تاسی از تأکيدات و استدلال های قبلی ما ضرورت جدی میدانیم که ادارات دولتی حاکم افغانی، ادارات تکس و مالییه و امنیتی مراجع را که به افراد و اشخاص معاشات گزاف غیر ستندرد اعطاء میکرد و یا میکند با اخذ تکس و مالییه برعواید و دیگر نورم های مالی و تنظیم قوانین اجازه کار و تنظیم کار انجوها و تحت کنترول قرار دادن آن کار وسیع سیستمی را سازماندهی و اجراء نماید. درین راستا به کار جدی و سمت دهنده ضرورت است.

مسلم اینست که بدون سیاست کادری سالم، حاکمیت مشروع، حاکمیت قانون و برخورد شفاف اقتصادی در افغانستان مسأله افغانستان حل نخواهد شد. از جانب دیگر ما باین باوریم که بهترین افراد باکفایت در نظام و سیستم بیکفایت کاری از دست شان ساخته نیست. لذا باید برای اصلاح سیستم کارکرد و درین راستا کار از قانون اساسی کشور آغاز کرد.

از جانب هم باید صادقانه باید گفت که نیت نیک برای اجرای کار خیر ضروری است اما کافی نیست! ضرورت است تا با خونسردی، بدون پیش داوری و با استفاده از وسایل مدرن و تکنیک با عقل و منطق و با در نظر داشت خصوصیات افغانستان و منطقه مسایل افغانستان را افغانی حل کرد.

همه میدانیم که نیروها در جوامع بشری آگاهانه عمل میکنند. ضرورت است تا انستیتوت های دیموکراسی و حاکمیت مردم و در رأس پارلمان کشور برای تبدیل شدن آن بیک پارلمان کاری و جوابگو عصر از طریق شیوه های شفاف دیموکراتیک تا مردمان کاری از اتوریته سیاسی برخوردار شده و کار به اهل آن سپرده شود.

انستیتوت های دیموکراسی باید تقویت و نهادینه شوند و راه های مثبت پیموده شده ایکه به قیمت گزاف و ضیاع وقت بیشتر صورت گرفته، باید دنبال و پیگیری گردد.

دنیای جدید را نمیتوان با پیگیری شعارها و نسخه های جنگ سرد اعمار کرد. نظام و سیستم کمونیستی جزء از تاریخ جوامع بشری است و بصورت قطع معتقدیم که آن نظام های توتالیته و خود کامه دیگر امکانات زندگی را در جهان و اندیشه های نورمال داشته باشند.

لذا باید بدون پیش داوری با پیش کشیدن کادرهای فنی و مسلکی راه و روش خویش را در عمل روشن کرد. جستجو و بسیج متحدین طبیعی برضد اکسترمیسم و افراطی گری یک ضرورت است. مبارزه علیه تروریسم زمان زیادی را خواهد گرفت. به موفقیت های مؤقت نباید مغرور شده و بازی خورد. عدم دقت به این امر سبب پشیمانی های خواهد شد که در موارد ناوقت خواهد بود.

تقسیم پست های دولتی به پست های سیاسی و مسلکی ضرورت عصر ماست. پست های مسلکی به افراد مسلکی و پست های سیاسی به نتایج انتخابات ارتباط دارد. نظارت مردم بر تطبیق قانون و اداره دولت تحت نظر قانون - مطالبه مردم و اصل مردم سالاری است!

زمان ثابت ساخته و سیستم سوسیالیستی و کمونیستی تجربه شده ثابت ساخت که دولت تاجر و مولد خوب نیست. تجارت ریسک و جرئت است. برای کارمند دولتی گرفتن ریسک و جرئت در مال دیگر خطرناک و همراه با مسؤولیت جنایی بوده میتواند. خاصاً این حالت زمانی جدا قابل سوال و غیر مطلوب است که کار را مسؤولین غیر فنی و غیر مسلکی و بی کفایت انتخاب شده باسناد روابط جیبی، فامیلی و دیگر روابط و تأکیدات غیر مشروع تطبیق و عملی خواهند کرد.

اقتصاد بازار آزاد بدون موجودیت امکانات و توانایی رقابت، بدون تشویق و ترغیب جوانب معین اقتصاد کشور برای سمت دهی جوانب معین اقتصاد در شرایط فعلی و بدون بکارگیری اقتصاد مختلط بحیث وسیله برای رسیدن به اقتصاد بازار آزاد، لجام زده و تحت کنترول و حاکمیت قانون قابل قبول نبوده و مردود است.

ما باین باوریم که تدویر کنفرانسها و سیمینارها بخاطر دادن تصویر واقعی از چهره سیاسی جهان، افغانستان، منطقه و امر صلح و ارزشهای قابل قبول برای همه و مبارزه علیه تروریسم و افراطیگری و هماهنگی تلاشهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جهانی در مورد افغانستان به حمایت و پشتیبانی خیر اندیشان جهان ضرورت دارد.

ما این تلاشها را زمانی مؤثر میدانیم که با اقدامات عملی همراه باشد. ما فکر میکنیم درین کنفرانس باید تصامیم و توافقات تمام کنفرانس های قبلی در مورد افغانستان مورد بررسی قرار گرفته و مسایل که به روی کاغذ باقی مانده و عملی نشده عوامل آن بررسی گردد و تدابیر عملی در زمینه اتخاذ گردد. تأکید بر نهادهای افغانی و بیشتر افغانی شدن مسأله افغانستان را امر مهم و جدی میدانیم.

کار برای نهادینه شدن انستیتوت های دیموکراتیک و مساعدت برای سیستم سازی در افغانستان را درپهلوی بخش اقدامات دیگر کلیدی میدانیم. و میدانیم که همچو کنفرانس ها با داشتن اجندای معین و در چوکات آن حرکت میکنند.

مسلم است که کار اصلی و اساسی عملی بعد از کنفرانس در عقب درهای بسته صورت میگیرد. و این هم مسلم است که هر کنفرانس سیاسی در خاتمه موفقانه اعلام میگردد. اما اینکه چنین پروگرامها و کنفرانسها

چه اهداف را مطرح داشتند، چه صلاحیت ها و امکانات برای اتخاذ تصمیم دارند و تا کدام حد این اهداف برآورده شد قابل دقت و تعمق میباشند.

ما باین باوریم که با تدویر جلسات و صدور قطعنامه ها، احکام و فرامین نمیتوان وضع را تغییر داد. ختم چنین کنفرانسها و سیمینارها باید با آغاز کار عملی تحقق برنامه های طرح شده همراه باشد. بلی اگر در کنفرانس اخیر ماه جنوری ۲۰۱۰ لندن بحث برین اصول و قواعد بالا صورت میگیرد قابل پذیرش و تأیید است.

مرکز کلتوری د حق لاره و مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان؛ مکلفیت خود میداند تا توجه تمام خیراندیشان، رهبری و زعامت افغانی و جامعه جهانی برعلاوه مطالب فوق احترامانه به پیشنهادات مشخص ذیل نیز معطوف بدارد:

در سطح جهانی:

- تدویر کنفرانسها و سیمینارها بخاطر پیشکش کردن تصویر واقعی از چهره سیاسی، نظامی، اقتصادی کشورما افغانستان، منطقه و مبارزه علیه تروریسم و افراطیگری و تلاش برای هماهنگی کار درین عرصه به نفع امر خیر، صلح و تفاهم نیک.

- کنترل و نظارت از اجراء و عدم اجراء توافقات و تعهدات قبلی درین رابطه.

- کنترل و نظارت از سیاست کادری و کار بهتر ساختن کار مجاری دیپلوماتیک و دادن سفارشهای معین و مشخص درین زمینه.

- بر زعامت افغانی است با سیاست مستقل به نفع افغانستان و امر صلح و قرار دادن افغانستان به مرکز تفاهم تمدن ها و عدم تهدید همسایه ها و جهان وظیفه خویش بداند تا بصورت دوامدار کشورما را از میدان معارک، کشمکش های جهانی باهویشاری نجات داده و یاهم ازین وضع به نفع کشور، مردم و امر صلح در افغانستان و منطقه بهتر تر استفاده کند.

- کار پیگیر در جهان اسلام و مردم منطقه تا عملاً تدابیر اتخاذ گردد که این جنگ، جنگ تمدنها و جنگ اسلام و مسیحیت و جنگ دینی نیست. با کار وسیع و مستدل توضیح گردد که جنگ سبب تباهی و نقص همه و ضد نام پاک اسلام و مسلمین و بضرر و خسارات جبران ناپذیر می انجامد.

- با اجرای تدابیر عملی درین زمینه مبنی بر برخورد عادلانه به مسایل جهانی و از جمله تأمین عدالت به مشکوکین و متهمین به تخلفات ضد امنیت جهانی و با برخورد دقیق و عادلانه تر و عملی به حل مسأله فلسطین و ... در واقعیت منابع انسانی و مالی تروریسم و افراطیت از بین رفته و زمینه های کار عمیق تر و حاکمیت بر قلب ها آماده خواهد شد.

- ایجاد کمیسیون باصلاحیت مرکزی بخاطر انسجام و سازماندهی تمام کمکهای وارده به افغانستان؛ البته در مورد توافق بین المللی صورت گیرد تا تمام کشورهای کمک کننده جهان، از طریق همین اداره به اهداف و مراجع مربوط تماس تأمین نموده و کمک نمایند. این اداره باکفایت نباید سبب تأخیر در کار کمک بلکه سبب تسریع عملیه کمک و بکارگیری بهتر از کمک ها گردد.

در داخل کشور:

- نهادینه ساختن و کار برای نهادینه ساختن و بلند بردن اتوریتته انستیتوت های دموکراتیک در کشور.

- کار طولانی، عمیق و دادن امکانات مالی و کاری رای متخصصین و متعهدین خدمت به افغانستان و امر صلح به صورت مشخص کار برای پیشکش کردن افراد جدید برای پارلمان کشور با بکارگیری شیوه ها و راه طبعی و مجاری دیموکراتیک.

- بتأسی از تغییراتی کادری در ترکیب پارلمان از مجاری دیموکراتیک کار برای تغییر قوانین کشور و از جمله قانون اساسی کشور.

- ارگانهای سه گانه و از جمله بسیج قوای امنیتی کشور به اساس ضرورت تأمین صلح در وطن؛ ایجاد، تشکیل و تجهیز شوند. این مراجع نباید مرجع خطر برای همسایه ها، منطقه و امر صلح باشد.

- بخاطر تحقق قانون اساسی و تأمین صلح و آرامش در وطن؛ ضرورت جدی است تا ارگانهای «عدلی، قضایی و امنیتی» کشور غیر سیاسی شده، تقرر کادرها به اساس لیاقت، شایستگی، تخصص، اعتماد و وفادرای به مردم و کشور صورت گیرد.

کار پیگیر برای بلند بردن صلاحیت های فنی و مسلکی دربخش مراجع عدلی و قضایی و کار برای بلند بردن اتوریته سیاسی آنها. بلند بردن اراده سیاسی برای تطبیق قانون.

- جلوگیری از فساد اداری یکی از وظایف اساسی است! با درک عوامل اساسی که باعث بروز فساد اداری شده، درجه بندی شده و با تصویب قوانین و ایجاد سیستم تدابیر معالجوی و وقایوی گرفته شود.

- بخاطر ایجاد و تقویه حکومت مردمی که متشکل از افراد و اشخاص دارای تخصص، اهلیت و صداقت باشند و از مجاری دیموکراتیک از اتوریته سیاسی برخوردار باشند.
ضرورت است تا اشتراک آنعده افغانهایی که بنابر عوامل مختلف از کشور و اداره آن بدور مانده اند و بخش از قوانین کشور درراستا منفی تأثیر دارند نیز تصحیحات و تدابیر عملی اتخاذ گردد. بدون تعصب و تعلقات قبلی، جلب و بکارگیری مناسب مسلکی شان برای بکار گیری روش های مدرن کادری ضرورت عصر ماست.

برای رسیدن به اهداف عالی و انسانی فوق:
ضرورت است تا از تعقل و منطق، با اولویت دادن به منافع مشترک مردم و وطن مشترک ما، با کنار گذاشتن اولویت های فردی زمینه های عملی را برای حسن تفاهم، تعقل و تدبیر نیک، ایجاد و تقویت امر و حس خیر بصورت متداوم و با حوصله مندی و با استفاده سالم و افغانی از دست آورد های بشری روی کار نماییم.

هموطن عزیز!

ما درین تحلیل ادعا نداریم که در تمام موارد تمام گوشه های حقایق را بخاطر وسعت موضوع به تحلیل گرفته باشیم. ما تلاش کردیم بخشی از ملاحظات ایرا که بآن درین تحلیل متمرکز شدیم مهم دانسته و پیشکش شما نمودیم. فرصت های زیادی ضایع شده و مردم ما رنج میبرند و به آتش جنگ میسوزند. جنگی که برای انسان و انسانیت خوبی آورده نمیتواند. ما حق نداریم فرصت موجوده جهانی و امکانات خویش را از دست بدهیم.
برحق برماست که هرچه زودتر بیشتر به تفکر سالم، حسن نیت، نیک نگری و خوشبینی معین، مصمم و بکار گیری اندیشه ها، تدابیر و روشهای مردم سالاری و خدمت به امر صلح، آرامش و مردم مستضعف افغانستان ما وجیبه ایمانی و وجدانی خویش را مانند فرزند صالح این وطن اجراء نماییم. و السلام - وما علینا الی البلاغ المبین

پایان